

صالحی امیری:

گردشگری جزو سه اولویت اصلی کشور است



وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی در آیین افتتاح هم‌زمان ۲۶۸ پروژه گردشگری کشور تأکید کرد: رئیس جمهوری صنعت در بوتیک هتل با اشاره به نقش سرمایه‌گذاران در شکوفایی هم‌زمان با هفته گردشگری و با حضور جمعی از مدیران دولتی و خصوصی، تشکل‌های گردشگری و فعالان این صنعت در بوتیک تاریخی «ملو کانه» برگزار شد، گفت: در حال حاضر بیش از ۲۷۰۰ پروژه گردشگری در سراسر کشور فعال است. وظیفه همه ماست که موانع این طرح‌ها را برطرف کنیم تا حتی یک پروژه در هیچ نقطه‌ای از کشور معطل نماند. وی با اشاره به نقش سرمایه‌گذاران در شکوفایی این صنعت، اظهار داشت: فعالیت سرمایه‌گذاران فراتر از یک فعالیت اقتصادی است؛ در حقیقت اقدامی فرهنگی برای معرفی زیبایی‌ها و هویت ایران است. هر بنای زیبایی که ساخته یا مرمت می‌شود، به زیبایی‌های ایران افزوده خواهد شد.

■■■

«حبیب‌الله»، بهترین مستند جشنواره ترکیه‌ای



مشاور رسانه‌ای پروژه، مستند کوتاه «حبیب‌الله» به کارگردانی عدنان زندی و تهیه‌کنندگی گلناز حسینی و سینا ابویی، محصول بفروداکشن، موفق به کسب جایزه بهترین فیلم مستند از نهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم Filmed در کشور ترکیه شد. این جایزه با عنوان «بوم‌شناسی: از ریشه تا فردا» -باغ‌های هوسل»، به کارگردان، اهدا شد. در بخشی از بیانیه هیئت داوران برای اهداء جایزه به «حبیب‌الله» آمده است: «زندگی یک موسیقیدان کرد از طریق تصاویر واقعی آشکار می‌شود. صدای او به محل درگیری بزرگ‌تری بین آزادی انسان و کنترل، سنت و زمان حال تبدیل می‌شود. کارگردان به‌جای تفسیر، مستقیماً به چشم، بدن و صدا تکیه و عنصر طبیعی سینما را به صدای باد، آب یا پرندگان تبدیل می‌کند. این سینماترانه تنها یک حالت اولیه است، بلکه از طبیعت اطراف نیز ناشی می‌شود؛ خود را به‌عنوان حقی طبیعی ایران می‌کند و همچنین بیانگر تداوم فرهنگی عمیق است. سینترا و موسیقی عناصر اساسی فرهنگ کردی، حاملان تاریخ، جامعه و مبارزه هستند و به سنتی ریشه‌دار تبدیل شده‌اند و...به‌خاطر این وضوح شاعرانه، عمق عاطفی و... این جایزه را به حبیب‌الله تقدیم می‌کنیم.»این جشنواره ۲۶ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۵ (۸ تا ۱۲ شهریور ۱۴۰۴) در ترکیه برگزار شد. مستند کوتاه «حبیب‌الله» راوی زندگی خواننده پیشکسوت فولکلور منطقه لیلاخ است که با افزایش سن با چالش جدیدی مواجه و دچار شک و تردید شده است. این مستند کوتاه راوی زندگی حبیب‌الله زندی، محمد زند کریمی، منیژه رحیمی، ابوالقاسم کوشا و هاشم زندی است و پخش بین‌المللی این اثر را مجموعه بفروداکشن، بر عهده دارد.

■■■

هم‌زمان با روز بزرگداشت مولاناانجام شد: تقدیر از حسن فتحی و سازندگان «مست عشق» در موزه سینما

فیلم سینمایی «مست عشق» که به روایت بخشی از زندگی مولانا و ششمس تبریزی می‌پردازد، روز سه‌شنبه ساعت ۱۸ باحضور حسن فتحی،مهران برومند و حسن علیزاده در سالن سینماتوگراف موزه سینما نمایش داده شد و از عوامل سازنده این فیلم تقدیر به عمل آمد. به گزارش پایگاه خبری موزه سینمای ایران، در ابتدای مراسم حسن فتحی روی صحنه و گفت: «برای من و همکاران عزیزم، ساخت فیلم «مست عشق» صرفاً ساخت یک اثر سینمایی نبود؛ بلکه سفری معنوی، به سرزمین ملاقات دو روح، دو جان، و دو معنای عمیق از زندگی بود که در وجود ششمس تبریزی و جلال‌الدین محمد بلخی جاری و زنده است.» این کارگردان افزود: «من و همکارانم، همین که توانسته باشیم با خلق لحظاتی، دل مخاطبان مان را به اندیشه‌های ششمس و مولانا نزدیک‌تر کنیم، بزرگ‌ترین موفقیت است.» در انتها و پیش از نمایش فیلم، لوح تقدیری که توسط موزه سینما و آیگوم آماده شده بود توسط فاطمه محمدی و احمد محیط طباطبایی، به حسن فتحی، کارگردان، مهران برومند و حسن علیزاده، تهیه‌کننده، نوید توحدی، فرزند فرهاد توحدی و نویسنده و میثم نورانی مجری طرح فیلم و مدیرعامل پخش فیلمیران که پخش فیلم در ایران را بر عهده داشت، اهدا شد.

■■■

«زمنستان بود»، بهترین فیلم خارجی جشنواره شیکاگو شد



فیلم سینمایی «زمنستان بود» -به کارگردانی وحید پرشاد و تهیه‌کنندگی کامبیز بابایی و میثم کامیار، در جشنواره بین‌المللی فیلم شیکاگو، جایزه بهترین فیلم خارجی را دریافت کرد. این فیلم پیش‌تر نیز به بخش پایانی رقابت بهترین فیلم در جشنواره بین‌المللی «پل طلایی» استانبول راه یافته بود. پخش بین‌المللی «زمنستان بود» را شرکت KBN بر عهده دارد. در این اثر بازیگرانی چون نازنین بیاتی، الهام کردا، محمد امین، رضا کیانیان (با حضور) و شسار مین علی‌محمدی (با معرفی) به ایفای نقش پرداخته‌اند. این جشنواره ۲۴ سپتامبر ۲۰۲۵ برابر با ۲ مهر ۱۴۰۴ بر گزار شد.

نگاهی به فیلم «آنجا همان ساعت»، ساخته سیروس الوند

ناموس پرستی یا فمینیسم‌گرایی؟



محمد تقی زاده

«آنجا همان ساعت»، فیلمی به تهیه‌کنندگی، کارگردانی و نویسندگی سیروس الوند است که امضای این فیلمساز پیش‌کسوت در سراسر فیلم به‌خوبی قابل‌ردیابی است و دوستداران سینمای الوند به‌خوبی آثار او را در دهه‌های گذشته از «مزاحم» و «دست‌های آلوده» تا فیلم‌هایی چون «رستگاری در هشت و بیست دقیقه» در فیلم به یاد می‌آورند.

در آنجا همان ساعت، همان مؤلفه‌های نویسندگی و الگوهای روایی آثار الوند مشخص و دنبال می‌شود؛ وجود شخص سوم مزاحم که راس مثلث عشقی را شکل می‌دهد و یک بدمن تمام‌عیار است که می‌خواهد زندگی آرام زوج عاشق را بر هم بزند، یک مرد عیار و جوانمرد که پیرو بزرگ محله است و فیلم با وجود و حضور او مسیرش تغییر می‌کند و تداعی‌گر کاراکتری کلاسیک از قهرمان‌های فیلم‌های قبل از انقلاب است. نیز زن‌هایی که همواره تحت اتهام و اتهام هستند و داستان فیلم تاحد زیادی پیرامون آن‌ها و تصمیمات آن‌ها می‌گذرد.



خلاصه داستان فیلم

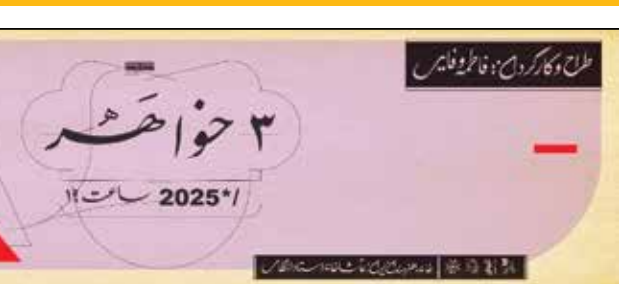
فیلم آنجا همان ساعت روایتگر زندگی زوجی جوان به نام «امیر» و «رنا» است. امیر کارگر یک کارگاه بلورسازی ست و رنا معلم دبستان. آن‌ها زندگی عاشقانه‌ای را در محله‌ای قدیمی در حاشیه شهر آغاز کرده‌اند. اما در میانه این آرامش، یک حادثه جنون‌آمیز، خوشبختی آن‌ها را نشان می‌گیرد. فیلم با نگاهی روان‌شناسانه، به مرور نشان می‌دهد که چگونه یک اتفاق ظاهراً ساده

۸:۲۰ نشان از ادامه حضور جدی او در سینمای جریان اصلی داشتند. -دهه ۹۰: پس از فیلم نسبتاً کم‌فروغ این سیب برای تو (۱۳۹۳)، با آنجا همان ساعت سعی کرد بار دیگر به فضای جدی و اجتماعی بازگردد.

تحلیل ونقد فیلم

فیلم بعد از هفت سال از ساخت در تابستان ۱۴۰۴ به نمایش درآمد و ردپای کهنگی در بسیاری از ابعاد

گزارش تئاتر



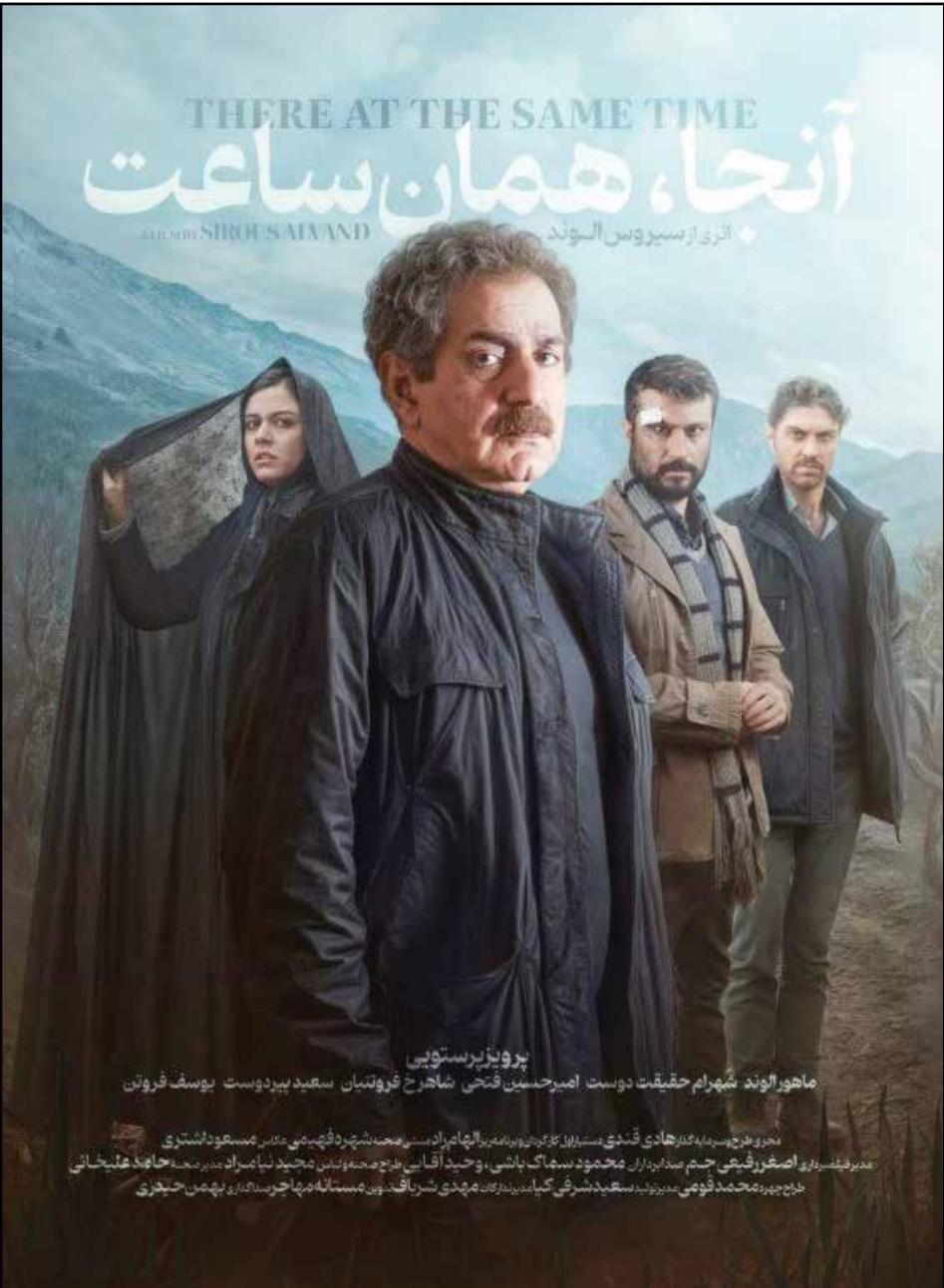
درباره نمایشی به کارگردانی فاطمه وفایی در خانه هنرمندان

ملال سرخوشانه «سه خواهر»

یک بار دیگر جهان چخوفی و یک اقتباس تئاتری از میراث گذشته که چندان وفادار به نمایشنامه سه خواهر نمی‌ماند و نمی‌خواهد در بند نمایشی دقیق صحنه‌های قرن نوزدهمی روسیه ماقبل انقلاب اکثرباشد. فاطمه وفایی در مقام طراح و کارگردان، متن چخوف را با داستان‌های کوتاه کاترین منسفیلد ترکیب کرده و به چهرانی تازه قدم گذاشته که بیش از آن که روسی باشد یادآور زندگی این روزهای ما ایرانی‌هاست. تجربه «مالال» این اجرا در نسبت با وضعیت پسمادرن و مواجه‌اش با نیهیلیسم بدون مازاد زندگی شهری، نشان از روزگاری است که به عاملیت‌زدایی از انبوه زنان در گوشه و کنار وضعیت خاورمیانه‌ای ما منتهی شده و به استیصال و ناامیدی شهر وندان دامن زده است.

کیست که نداند این وضعیت معنا باخته و تحمل‌ناپذیر، حتی با تماشای انیمیشن به یادماندنی سیندرلا و صد البته حرف‌های بی‌سروته عصر گاهی و پناه بردن به سیگار و جای‌وسرگرمی-همان کارهایی که سه‌خواهر این اجرا مشغول آن هستند -به راحتی رفع رجوع نخواهد شد و همچنان سطره بای‌انگیزگی و فقدان چشم‌اندازهای روشن آینده است. فرمی که کارگردان به همراه گروه اجرایی‌اش در پیش گرفته تا-این موقعیت تکرار شونده زانه را رویت‌پذیر کند کمابیش مبتنی است بر فاصله گرفتن از چخوف گرایی تمام عیار و در غلتیدن در زبیباشناسی یک اجرای کلاسیک.

در این وام‌گیری از چخوف، شاهد حاشیه‌روی از نمایشنامه والویت دادن به مسائل فرعی هستیم. اجرا سودای ساختن جهانی ایستا و سرخوشانه را دارد و تلاش می‌کند سبک‌بال به جنگ افسردگی و دل‌زدگی برود. خوانش



سرکار رفتن و شب از سرکار برگشتن امیر هم توضیح جالبی برای این گف مهم که بخش مهمی از روایت روی آن نباشده نیست.

در کنار موارد پساد شده باید به فیلمبرداری درجه یک و حتی سخت اصغر رفیعی جم در فیلم اشاره کرد که در کنار موسیقی همراه کننده ستار اوکی و تدوین مستانه مهاجر، بخش فنی فیلم را یکسازندگان روی آن خیلی حساب باز کردند.

برای مثال خیلی طول می‌کشد تا برای گروه شرط‌بندی فیلم مشخص شود که رنا متاهل است و اصلاً اگر این نادانی و نفهمی نبود شاید شرطی بسته نمی‌شد و اساساً داستانی شکل نمی‌گرفت. این در حالی است که در آن محله کوچک خیلی زود مشخص می‌شود که یک خانواده متاهل وارد محل شده است و توجیه صبح

که در کنار موسیقی همراه کننده ستار اوکی و تدوین مستانه مهاجر، بخش فنی فیلم را غنی و حایز اهمیت کرده است کلیشه‌در «آنجا همان ساعت» مسئله مهم و کلیدی است چرا که الگوریتم فیلم بر این کلیشه‌های داستانی استوار شده است برای همین است که ممکن است دسته دیگری از مخاطبان باهوش‌تر و فیلم‌بین‌تر خیلی زود فیلم را پس بزنند چرا که از روند روایی تا شخصیت‌پردازی و بیان مضمون، همگی تکراری است و به نوعی آنجا همان ساعت به طور محسوسی و امدار سینمای کلاسیک ایران و فیلم‌سازی‌های آن زمان است. اینکه بدمن فیلم تا این حد شر مطلق است و هیچ درک و شعوری از انسانیت نبرده و هیچ نقطه سفیدی در زندگی‌اش نیست، اینکه وارطان با بازی پرستویی تا

این خدمشیت و سفیداست و یک جوانمرد تمام‌عیار و ناموس پرست واقعی است که هیچ نقطه-سهایی در زندگی‌اش نیست و همچنین صحنه گذاشتن روی حماقت چند کاراکتر اصلی فیلم از جمله رنا و امیر با بازی ماهر الوند و شهرام حقیقت‌دوست، از جمله همین کلیشه‌های شخصیت‌پردازی است که سازندگان روی آن خیلی حساب باز کردند. برای مثال خیلی طول می‌کشد تا برای گروه شرط‌بندی فیلم مشخص شود که رنا متاهل است و اصلاً اگر این نادانی و نفهمی نبود شاید شرطی بسته نمی‌شد و اساساً داستانی شکل نمی‌گرفت. این در حالی است که در آن محله کوچک خیلی زود مشخص می‌شود که یک خانواده متاهل وارد محل شده است و توجیه صبح

حسن معجونی در نمایش «باغ»، لیلی رشیدی و محمد عاقبتی در پروژه مشترک «باغ بی‌البالو»، و نگین کشفی در اجرای سه خواهر محمد چرم‌شیر، قدم در راهی پر از چالش گذاشته که می‌تواند یک پیشنهاد عملی و خلاقانه باشد در رابطه با خارج کردن آثار مهم تاریخ ادبیات دراماتیک جهان از بن‌بست.

به لحاظ اجرایی صحنه چنان طراحی شده که کمینه گرایانه در خدمت سیاست اجرایی نمایش باشد. میزی در وسط صحنه قرار داده شده که به نوعی محل تلاقی نیروها و استقرار بازیگران است. از همان ابتدا هر سه شخصیت نمایش را مشاهده می‌کنیم که بر روی میز، دراز کشیده و مشغول تماشای تلویزیون هستند.

گاهی به فضای زیر میز پناه برده و بازی می‌کنند و گاهی مجادلات‌شان را در کنار میز به پیش می‌برند و به توافق و اختلاف می‌رسند. بنابراین این میز جای خالی بسیاری از اشیاء مورد نیاز یک خانه را پر کرده و نسبت شخصیت‌ها و کنش‌ورزی‌هایشان را تنظیم می‌کند. کنش‌هایی چون نوشتن‌چای، تماشای انیمیشن، ورق‌بازی و چرخاندن فرقه، به همراه غیبت کردن درگیر گفتگوهای بی‌سرانجام روزمره شدن، تقریباً تمامی آن چیزی است که بر صحنه اتفاق می‌افتد تا ملال زندگی در یک خانه-رو به زوال را انتقال دهد.

اما ورود و خروج بازیگری چون محمدحسین خادمی، این فشاری می‌شکند و لحظات مفرحی از تقابل دیدگاه‌ها و موقعیت‌ها را می‌سازد. محمدحسین خادمی در این اجرا چند نقش را بازی می‌کند و به خوبی از پس این قضیه برمی‌آید. او که به تازگی نویسنده‌گی، کارگردانی و بازی در نمایش «بیانست» را در سابقه خویش داشته، اینجا هم بازی تاثیرگذاری دارد و با مهارت توانسته چند نقش را با خونسردی و طنازی خاص خودش بر صحنه اجرایی کند. نقش‌هایی چون «آندر سرگی-بویچ» که برادر هر سه خواهر است، «آنیسا» که دایه هشتادساله خانه بوده و همچنین «ورنشین آلکساندر ایکتانوویچ» که سرهنگ دوم و فرمانده یوخانه است، و در نهایت «اتالیا ایوانوونا» که همسر آندر است در تصاد با خواهران.



دیگر بازیگران این اجرا، شامل «هدیه خانیان» که در نقش «ماش» حضوری موثر دارد و سردی و بی‌خیالی مثال‌زدنی‌اش تماشایی است. همچنان که «سحر جبی» که نقش «ایرنا» را بازی می‌کند و ملائکولیک و تاحدوی متمرد به نظر می‌آید. و صد البته «فاطمه وفایی» که «الگا» نمایش است و یادآوری کننده گذشته تلخ و باشکوه خانواده.

در نهایت می‌توان گفت اجرای نمایش سه خواهر در سالن انتظامی خانه هنرمندان اتفاق مبارکی محسوب می‌شود که نشان از فرم‌های تازه اجرایی از نسل جوان تئاتر کشور است. اجرایی که رنگ و بوی زنانه دارد و در تلاش برای معاصر کردن چخوف نازنین. امیداست این گروه اجرایی در مسیری که انتخاب کرده‌اند به عرصه‌های پرچالش‌تری ورود کرده و نامکم‌ها را دسترس‌پذیر کنند. با آن‌که این اجرا تماشاگران را شگفت‌زده نمی‌کند اما فروتنی و انداز بودن‌اش، این حقیقت را گوشزد می‌کند که می‌توان با امکانات کم مشغول ساختن جهان‌های بزرگ شد. حتی اگر در ظاهر امر همه چیز معنا باخته و ملال زده به نظر آید و سایه‌ای از میان‌مایگی بر همه چیز و همه کس افتاده باشد.

به توجیه به دشواری مناسبات

مادی تولید تئاتر، جهان‌های بزرگ شد. حتی اگر در ظاهر امر همه چیز معنا باخته و

عنوان یک کارگردان زن به مانند

